

تدوین مدل روابط سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت‌نفس و
شادکامی: الگوی تحلیل مسیر

Formulating Relationships Model of Parenting Styles, Personality,
Self-Esteem and Happiness: Path Analysis Model

S. Dabiri, Ph.D. Student. ✉

A. Delavar, Ph.D.

G. Sarami, Ph.D.

M. Falsafi Nejad, Ph.D.

سولماز دبیری ✉

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز

دکتر علی دلاور

استاد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر غلامرضا صرامی

استادیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

دکتر محمدرضا فلسفی نژاد

استادیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۸۹/۸/۲۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۷/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۱/۱/۲۰

Abstract

A recent increase in research on positive psychology and happiness is evident. The essential aim of this study was to formulate model for prediction of happiness based on self-esteem, personality traits and parenting styles in students. For this purpose 350 people of students of Allameh Tabatabaie University were

✉ Corresponding author: Faculty of psychology and Educational Sciences, University of Tabriz, Tabriz.

Tel: +9809125009480

Email: sh_dabiri1016@yahoo.com

چکیده

هدف اساسی این پژوهش، تدوین مدل روابط سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت‌نفس و شادکامی در دانشجویان بود. ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌های شادکامی آکسفورد، عزت‌نفس روزنبرگ، شیوه‌های فرزندپروری بوری (فرم مادر) و پرسشنامه شخصیت آیزنک بود.

✉ نویسنده مسئول: تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی،

دانشگاه تبریز، گروه روان‌شناسی تربیتی

تلفن: ۰۹۱۲۵۰۰۹۴۸۰

پست الکترونیکی: sh_dabiri1016@yahoo.com

selected by cluster random sampling. The instruments administered in this research were the Oxford Happiness Questionnaire, the Rosenberg Self-Esteem Scale, the Buri's Parental Authority Questionnaire (maternal form) and the Eysenck Personality Questionnaire (Revised Short-Scale). Based on a path analysis, the results indicated that in the first presented model some indices were fit. So, the model was modified and showed a better fit with the data. It was revealed that extraversion and self-esteem have positive direct relationship with happiness. Neuroticism and happiness were correlated negatively and the significant indirect relationship between extraversion with happiness through self-esteem was found. A significant indirect relationship between authoritative parenting style through neuroticism and extraversion with happiness was found as well. Although extraversion, authoritative parenting style, neuroticism and self-esteem were the most important predictors of happiness, respectively in this research the role of self-esteem, personality traits and parenting styles on happiness was supported and these variables were indicated as important.

Keywords: Happiness, Parenting Styles, Personality traits, Self-Esteem.

داده‌های بدست آمده با روش آماری تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که مدل اولیه ارائه شده تنها در بعضی شاخص‌ها برازش داشت، بنابراین مدل تعدیل شده برازش بهتری با داده‌ها نشان داد. آشکار شد که برون‌گرایی و عزت‌نفس، با شادکامی رابطه مستقیم مثبت دارند. هم‌چنین بین روان رنجورخویی و شادکامی رابطه منفی معنادار و بین برون‌گرایی با شادکامی به واسطه عزت‌نفس رابطه غیرمستقیم معناداری یافت شد.

یافته‌ها نشان دادند که بین سبک فرزندپروری قاطع با شادکامی به واسطه روان رنجورخویی و برون‌گرایی رابطه غیرمستقیم معنادار وجود دارد. هم‌چنین برون‌گرایی، سبک فرزندپروری قاطع، روان رنجورخویی و عزت‌نفس به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین شادکامی دارند. در این پژوهش نقش عزت‌نفس، شخصیت و سبک‌های فرزندپروری در شادکامی تأیید شد که این بیانگر اهمیت نقش این متغیرها در شادکامی است.

کلیدواژه‌ها: شادکامی، سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت‌نفس

مقدمه

در چند دهه اخیر با ظهور روان‌شناسی مثبت در تحقیقات روان‌شناختی تغییرات بسیاری صورت گرفته است (شوگرین و همکاران، ۲۰۰۶). با توجه به این که اکثر محققان در دهه‌های گذشته عوامل

بیرونی را در تعریف شادکامی به کار برده‌اند، مفهوم شادکامی و پیش‌بینی‌کننده‌های قوی آن هم‌چنان مبهم باقی مانده است (هریس و استاندارد، ۲۰۰۱). براساس حرکت روان‌شناسی مثبت و تأکید بر افزایش شادکامی باید عوامل مؤثر در شادکامی را مد نظر قرار داد. با استناد به تحقیقات انجام شده و نظریه‌های مختلف می‌توان به چند عامل مهم و مؤثر در شادکامی از جمله شخصیت، عزت‌نفس، سبک‌های فرزندپروری و برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی اشاره کرد. هرز و گولون (۱۹۹۹) معتقدند که سبک فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-کودک اثر معناداری روی عزت‌نفس، شادکامی و بهزیستی افراد دارد. شیوه فرزندپروری، عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند. این‌که والدین کدام یک از انواع سبک‌های مختلف تربیتی را در خانواده اتخاذ کنند تأثیر مهمی بر ابعاد مختلف زندگی فرد می‌گذارد. هدف همه سبک‌های فرزندپروری، شکل‌دهی به شخصیت روانی فرد است. سبک مقتدرانه، مناسب‌ترین روش فرزندپروری است. بر پایه پژوهش‌های انجام شده این سبک فرزندپروری با پیامدهای تحولی مثبت هم‌چون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکاء به خود بالاتر، کج‌رفتاری کمتر و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (استینبرگ و همکاران، ۱۹۹۴).

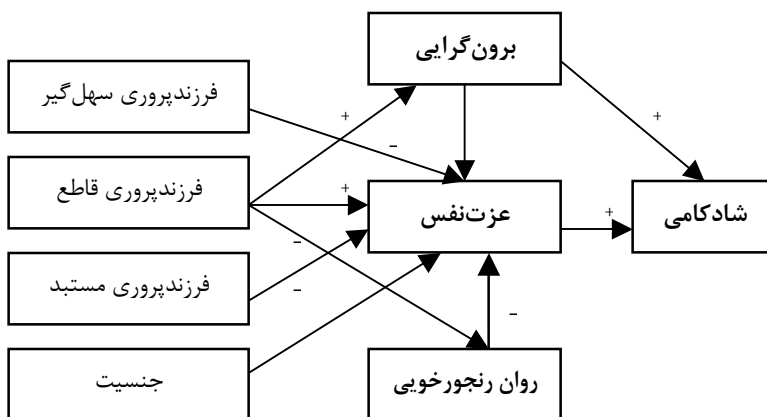
یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر شادکامی، ویژگی‌های شخصیتی است. روان‌شناسان درباره تأثیر شخصیت بر میزان شادکامی مطالعات زیادی کرده‌اند که همگی رابطه مثبت برون‌گرایی با شادکامی را تأیید می‌کنند. ارتباط شادی با برون‌گرایی آن‌قدر مسلم و قوی است که برخی از صاحب‌نظران تعریف شادی را بدون در نظر گرفتن برون‌گرایی صحیح نمی‌دانند و تعریف خود از شادی را این‌گونه بیان می‌کنند: شادی چیزی است به نام «برون‌گرایی پایدار» (فرانسیس، ۱۹۹۹).

ارزیابی مثبت از خود که در قالب عزت‌نفس بیان می‌شود برای بهزیستی ذهنی، مثبت و ضروری است. عزت‌نفس به عنوان یک سپر و محافظ در مقابل ناسازگاری روان‌شناختی عمل می‌کند و باعث ارزیابی مثبت فرد از زندگی می‌شود (چا، ۲۰۰۳).

اغلب تحقیقات انجام شده در گذشته روی پیامدهای منفی سبک‌های فرزندپروری تأکید داشته‌اند، اما مسیر و در واقع تأکید این مطالعه بیشتر بر پیامدهای مثبت سبک‌های فرزندپروری یعنی شادکامی است. فورنهام و چنگ (۲۰۰۰) در تبیین شادکامی سبک‌های فرزندپروری، جنسیت، شخصیت و عزت‌نفس را مورد تأکید قرار داده‌اند. تحقیقات متعددی حاکی از رابطه مستقیم و غیرمستقیم بین این متغیرها است (چنگ و فورنهام، ۲۰۰۳؛ چان و کو، ۲۰۰۹؛ مرادی و همکاران، ۱۳۸۴؛ لوپز، ۲۰۰۵؛ هاور و همکاران، ۲۰۰۹ و جوشن لو و رستگار، ۱۳۸۶). در بررسی‌های گوتیرز و همکاران (۲۰۰۵)، هایس و جوزف (۲۰۰۳)، گودوین و گاتلیب (۲۰۰۴)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) و چان و جوزف (۲۰۰۰) بر ضرورت توجه به نقش ویژگی‌های شخصیت، به ویژه روان رنجورخویی و برون‌گرایی در بررسی تفاوت‌های جنسیتی در تجربه هیجانات مثبت و منفی تأکید

شده است. پژوهش طولی کاستا و همکاران (۱۹۸۱) نشان داد که برون‌گرایی می‌تواند وجود عاطفه مثبت و شادی ۱۷ سال بعد را در فرد پیش‌بینی کند. این مطالعه نشان داد که برون‌گرایی، بهترین پیش‌بینی‌کننده شادمانی است. فوجیتا و همکاران (۱۹۹۱) همبستگی بین برون‌گرایی و تجربه عواطف مثبت را ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. یافته‌های آرگیل و لو (۱۹۹۰) و فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) نشان داده، شادی به طور مثبت با برون‌گرایی و به طور منفی با روان رنجورخویی همبسته و مرتبط و با روان‌پریشی غیرمرتبط است. ارتباط شادی با برون‌گرایی آن‌قدر مسلم و قوی است که برخی از صاحب‌نظران تعریف شادی را برون‌گرایی ثابت می‌دانند (فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۸). طبق نظریه آیزنک برون‌گرایی با خلق مثبت و روان رنجورخویی با خلق منفی مرتبط است (دی پاسکالیس و همکاران، ۲۰۰۴). شواهد پژوهشی نیز نشان داده‌اند که برون‌گرایی با خلق مثبت و روان رنجورخویی با خلق منفی مرتبط است (برنر و همکاران، ۱۹۹۵؛ راستینگ و لارسن، ۱۹۹۷؛ راستینگ، ۱۹۹۹؛ گومز و همکاران، ۲۰۰۰؛ آرگیل، ۲۰۰۱؛ رایبسون و همکاران، ۲۰۰۷). در مورد ارتباط برون‌گرایی و روان رنجورخویی با خلق مثبت و منفی یافته‌های به دست آمده، مؤید نظریه آیزنک است (به عنوان مثال لارسن و کتلاز، ۱۹۹۱؛ راستینگ و لارسن، ۱۹۹۷؛ گومز و همکاران، ۲۰۰۰). هم‌چنین طبق نظریه گری^۲ (۱۹۷۱، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۹، به نقل از لارسن و کتلاز، ۱۹۹۱) برون‌گرایی و روان رنجورخویی، بازنمایی تفاوت‌های فردی در نیرومندی نسبی دو نظام فعال‌سازی رفتاری^۳ و نظام بازداری رفتاری^۴ است. طبق این نظریه، مؤلفه زود‌انگیختگی برون‌گرایی، فعالیت نظام فعال‌سازی رفتاری قوی یا حساسیت بالا به نشانه‌های پاداش و مؤلفه اضطراب روان رنجورخویی، فعالیت نظام بازداری رفتاری قوی یا حساسیت بالا به نشانه‌های تنبیه را بازنمایی می‌کند (راستینگ و لارسن، ۱۹۹۷). لارسن و کتلاز (۱۹۹۱) معتقدند که حساسیت به پاداش و تنبیه احتمالاً با حساسیت‌های هیجانی در ارتباط باشد. خلق مثبت از مواجهه با نشانه‌های پاداش و خلق منفی از مواجهه با نشانه‌های تنبیه ناشی می‌شود. مگنوس و همکاران (۱۹۹۳) در مطالعه‌ای طولی در آمریکا نشان دادند که افراد برون‌گرا رویدادهای مثبت بیشتری را در زندگی خود تجربه می‌کنند. اسپانگلر و پالریچا (۲۰۰۴) نیز با مروری بر پژوهش‌های انجام شده، برون‌گرایی و روان رنجورخویی را به عنوان دو بعد شخصیتی تأثیرگذار بر شادکامی در نظر گرفتند. آن‌ها در پژوهش خود این دو صفت شخصیتی را مورد بررسی قرار دادند و بدین نتیجه دست یافتند که برون‌گرایی و روان رنجورخویی، به طور قوی با شادکامی همبسته‌اند. آکس و همکاران (۲۰۰۷) نشان داده‌اند، افرادی که در برون‌گرایی پایین و در روان رنجورخویی بالا هستند به احتمال بیشتری در معرض خطر خلق افسردگی قرار دارند. نتایج پژوهش گاتیرز و همکاران (۲۰۰۵) نیز نشان داد که شخصیت به عنوان یکی از مهم‌ترین همبسته‌های شادکامی به خصوص از طریق برون‌گرایی و روان رنجورخویی است. بررسی گروسی فرشی و همکاران (۱۳۸۵) درباره بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد شادکام نشان داد که بر پایه نتایج تحلیل

رگرسیون عوامل پنج‌گانه شخصیتی، تنها دو بعد برون‌گرایی و روان رنجورخویی توان پیش‌بینی شادکامی را دارند. در مجموع، بازبینی پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که برون‌گرایی و روان رنجورخویی به عنوان دو بعد عمده شخصیت نقش مهمی در شادکامی دارند. مسئله‌ای که در این‌جا مطرح می‌شود این است که، بیشتر مطالعات انجام شده در مورد عوامل مؤثر بر شادکامی به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع مطالعات اندکی درباره اثرات سبک‌های فرزندپروری روی شادکامی و عزت‌نفس به عنوان یک متغیر میانجی ممکن برای شادکامی، به خصوص در کشور ما انجام شده است. در واقع این مطالعه در تلاش است، تا حد ممکن بین متغیرهای نامبرده، با تمرکز روی شادکامی به عنوان متغیر پیش‌بینی‌شونده اصلی، پیوند برقرار کند؛ زیرا اساس تحول فرد در جنبه‌های مختلف روانی، هیجانی و اجتماعی از خانواده به عنوان اولین نهاد، که سبک‌های فرزندپروری در بطن آن قرار دارد، شروع می‌شود و بر شکل‌گیری و تحول شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد. همچنین اغلب مطالعاتی که تاکنون در حوزه شادکامی صورت گرفته جداگانه این عوامل را بررسی کرده‌اند. در ایران با توجه به ظهور روان‌شناسی مثبت‌گرا تحقیقی که این متغیرها را در قالب مدل، مورد آزمون قرار دهد، انجام نگرفته است. لذا با توجه به آن چه ذکر شد پژوهش حاضر در صدد است مدلی را در تبیین شادکامی ارائه دهد و بنابراین از این جهت پژوهشی نو محسوب می‌شود. مدل فرضی اولیه، مدل زیر است:



شکل ۱: مدل فرضی اولیه مبتنی بر مطالعات پژوهشی در پیش‌بینی شادکامی

بدین ترتیب در این پژوهش سؤال اصلی این است که آیا مدل ترسیم شده در گروه نمونه، برازش دارد و این که اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها روی شادکامی چگونه است؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. از این جامعه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۳۵۰ دانشجوی انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا فهرست دانشکده‌ها تهیه و به طور تصادفی ۳ دانشکده (حسابداری و مدیریت، ادبیات و روان‌شناسی) و از بین آن‌ها ۴ کلاس مقطع کارشناسی، انتخاب و پرسشنامه‌ها توزیع، اجرا و جمع‌آوری شدند. در نهایت از ۳۵۰ نفر گروه نمونه، داده‌های مربوط به ۳۱۰ نفر آزمودنی تحلیل و بقیه به علت ناقص بودن مشخصات و یا عدم پاسخ‌گویی به همه سؤالات از محاسبه خارج و کنار گذاشته شدند. از مجموع کل ۳۱۰ نفر ۱۱۳ نفر مرد (۳۶/۵٪) و ۱۹۷ نفر زن (۶۳/۵٪)، در دامنه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال بودند. هم‌چنین از کل نمونه ۹۷ نفر (۳۱/۳٪) در دانشکده مدیریت، ۱۱۴ نفر (۳۶/۸٪) در دانشکده روان‌شناسی و ۹۹ نفر (۳۱/۹٪) در دانشکده ادبیات مشغول به تحصیل بودند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه شادکامی آکسفورد: این پرسشنامه، نسخه بهبودیافته فهرست شادکامی آکسفورد و دارای ۲۹ سؤال که توسط هیلز و آرگیل (۲۰۰۲) ساخته شده است. فورنهام و بروین (۱۹۹۰) ضریب آلفای ۰/۸۷ را با ۱۰۱ آزمودنی گزارش کرده‌اند. فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) آلفای ۰/۹۲ و در یک بررسی میان فرهنگی در چهار کشور مختلف ضرایب ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۸۹، ۰/۸۹ را به دست آورده‌اند. الیانت (به نقل از علی‌پور و نوربالا، ۱۳۷۸) ضمن به دست آوردن پایایی^۵ بازآزمایی ۰/۸۳ پس از سه هفته، دریافت که پایایی بازآزمایی این پرسشنامه از پایایی پرسشنامه سلامت عمومی و مقیاس افسردگی نیز بیشتر است. در ایران، پرسشنامه شادکامی آکسفورد توسط علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸) به فارسی ترجمه و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ با روش دو نیمه کردن، ۰/۹۲ به روش اسپیرمن براون و ۰/۹۱ با روش گوتمن گزارش شده است. برای بررسی روایی^۶ صوری پرسشنامه از ۱۰ متخصص (روان‌شناس و روان‌پزشک) نظرخواهی شده که همگی آن را تأیید کرده‌اند. در پژوهش حاضر از فرم ۲۹ سؤالی اصلاح شده استفاده شده است. در این فرم پاسخ‌ها دارای طیف شش درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۶) است (هیلز و آرگیل، ۲۰۰۲). دامنه نمرات بین ۲۹ تا ۱۷۴ است. هر چه نمره فرد بالاتر باشد شادکامی نیز بیشتر است. همبستگی‌های مثبتی بین این پرسشنامه با آزمون جهت‌گیری زندگی^۷، شاخص توجه زندگی^۸، آزمون عزت نفس و مقیاس رضایت‌مندی زندگی^۹ به دست آمده‌اند که همگی نشان‌دهنده روایی سازه این پرسشنامه در

حد بالا هستند (هیلز و آرگیل، ۲۰۰۲). هیلز و آرگیل (۲۰۰۲) روایی سازه بالا و قابل قبولی را برای پرسشنامه شادکامی آکسفورد از طریق همبستگی با مقیاس‌های خودگزارش‌دهی صفات شخصیتی و نیرومندی‌های انسان^{۱۰} گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پرسشنامه شادکامی آکسفورد فرم ۲۹ سؤالی با ۳۱۰ نفر آزمودنی، برابر با ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسشنامه شخصیت آیزنگ- فرم کوتاه^{۱۱} (EPQ-RS): این پرسشنامه شامل ۴۸ سؤال

است که برای سنجش سه بعد شخصیت روان‌رنجورخویی (پایداری هیجانی/ هیجان‌پذیری)، برون‌گرایی (برون‌گرایی/ درون‌گرایی) و روان‌پیش‌خویی در افراد دامنه سنی ۱۶ تا ۷۰ سال مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر زیرمقیاس شامل ۱۲ سؤال است و به صورت بله یا خیر و ۱ و ۰ نمره گذاری می‌شود و در هر خرده‌مقیاس بیشترین نمره و کمترین نمره ممکن، به ترتیب ۱۲ و ۰ است (به نقل از ایوکویک و همکاران، ۲۰۰۷). فرانسیس و همکاران (۱۹۹۸) ضرایب آلفای مقیاس برون‌گرایی در فرم کوتاه را ۰/۷۴ (در انگلستان)، ۰/۸۱ (در کانادا)، ۰/۸۲ (در آمریکا) و ۰/۸۴ (در استرالیا) و ضرایب آلفای مقیاس روان‌رنجورخویی را ۰/۷۰ (در انگلستان)، ۰/۸۲ (در کانادا)، ۰/۸۳ (در آمریکا) و ۰/۷۷ (در استرالیا) گزارش کرده‌اند. کارانسی و همکاران (۲۰۰۷) ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس‌های برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی، روان‌گسیختگی و دروغ‌گویی به ترتیب برابر ۰/۷۸، ۰/۶۵، ۰/۴۲ و ۰/۶۴ و پایایی خرده‌مقیاس‌ها به روش بازآزمایی را برابر ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۶۹ و ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. در ایران بخشی‌پور رودسری و همکاران (۱۳۸۵) ضرایب پایایی از راه بازآزمایی را با فاصله یک هفته روی ۳۰ نفر برای برون‌گرایی ۰/۸۹ و برای روان‌رنجورخویی ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. هم‌چنین روایی هم‌زمان را از طریق همبستگی مقیاس‌های EPQ-RS با مقیاس‌های پرسشنامه تجدیدنظر شده پنج عاملی نئو^{۱۲} معنادار به دست آورده‌اند. بدین‌صورت که همبستگی مقیاس برون‌گرایی EPQ-RS با مقیاس برون‌گرایی تجدیدنظر شده پنج عاملی نئو، ۰/۷۰ و از لحاظ آماری معنادار و همبستگی مقیاس روان‌رنجورخویی در دو پرسشنامه را ۰/۷۲ و معنادار گزارش کرده‌اند. روایی سازه مقیاس‌های EPQ-RS از طریق تحلیل عاملی اکتشافی برآورد و مطابق با الگوی آیزنگ تأیید شده است (بخشی‌پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۶۶ به دست آمد.

مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ: این مقیاس شامل ۱۰ سؤال است که پنج سؤال آن منفی و پنج

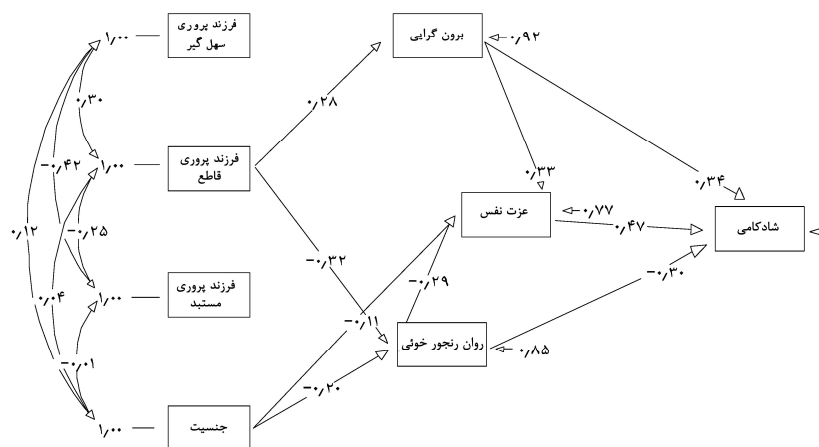
سؤال آن مثبت است. هر ماده دارای دو گزینه به صورت موافق و مخالف است. حداقل نمره در این مقیاس صفر و حداکثر ۱۰ است. هر چه نمره فرد به ۱۰ نزدیک‌تر باشد عزت‌نفس بیشتر است. این ابزار، عزت‌نفس کلی را مورد سنجش قرار می‌دهد. روایی واگرا و همگرایی آن در بسیاری از تحقیقات

مناسب و قابل قبول گزارش شده است (آرن و همکاران ۱۹۹۳؛ به نقل از جین، ۲۰۰۱). در پژوهش مظلومی محمودآباد و همکاران (۱۳۸۵) پایایی ثبات درونی این پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمده است. در پژوهش زاده‌محمدی و همکاران (۱۳۸۶) ضریب بازآزمایی برای کل مقیاس با فاصله زمانی یک، دو و سه هفته به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۳ و ۰/۷۸ به دست آمده است. قابلیت پایایی مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ از طریق سه روش آلفای کرونباخ، باز آزمایی و دو نیمه کردن به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۸ و ۰/۶۸ گزارش شده است. روایی هم‌زمان این مقیاس به دلیل وجود همبستگی مثبت معنادار با مقیاس عزت‌نفس کوپراسمیت (۰/۶۱) و همبستگی منفی معنادار با زیرمقیاس‌های افسردگی (۰/۵۴-) و اضطراب (۰/۴۳-) از فهرست تجدیدنظر شده ۹۰ سؤالی تأیید شده است. این نتایج حاکی از آن است که قابلیت پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس حرمت خود روزنبرگ رضایت‌بخش است (محمدی، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه اقتدار والدین^{۱۳} (PAQ): این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است و به طور نظری بر سنخ‌شناسی سبک فرزندپروری بامریند مبتنی است. هر سبک دارای ۱۰ سؤال و به صورت مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (برای پاسخ‌های بسیار مخالفم نمره ۱ و پاسخ‌های بسیار موافقم نمره ۵) است (بوری، ۱۹۹۱). نمره نهایی برای هر سبک از ۱۰ تا ۵۰ می‌باشد. سبکی که بیشترین نمره را دارد نشان‌دهنده‌ی سبک بارز درک شده توسط آزمودنی از والدینش است. ضرایب پایایی قابل قبولی توسط بوری (۱۹۹۱) برای این آزمون گزارش شده است. این ضرایب برای مادران قاطع ۰/۷۸، مادران مستبد ۰/۸۶ و مادران سهل‌گیر ۰/۸۱ گزارش شده است. ضرایب پایایی مشابهی توسط برزونسکی (۲۰۰۴) گزارش شده‌اند (۰/۹۰ برای والدین قاطع، ۰/۸۹ برای والدین مستبد، ۰/۷۸ برای والدین سهل‌گیر). ضرایب ثبات درونی هر بعد از PAQ توسط بوری برای مادران سهل‌گیر ۰/۷۵، مادران مستبد ۰/۸۵، مادران قاطع ۰/۸۲، پدران سهل‌گیر ۰/۷۴، پدران مستبد ۰/۸۷ و پدران قاطع ۰/۸۵ به دست آمده است (به نقل از کلین، ۲۰۰۵). هم‌چنین بین این پرسشنامه با مقیاس مهرورزی والدین رابطه معناداری یافت شده که بیانگر روایی هم‌زمان پرسشنامه است (بوری و همکاران، ۱۹۸۸). در پژوهش حاضر فرم مادر ابتدا ترجمه شد و توسط یکی از اساتید زبان انگلیسی نواقص ترجمه رفع شد. به منظور روایی صوری از چند نفر از اساتید و متخصصین روان‌شناسی نیز نظرخواهی شد. بعد از نظرخواهی و رفع برخی از تفاوت‌های ایجاد شده، نسخه فارسی پرسشنامه برای اجرا تهیه شد. ضرایب پایایی خرده‌مقیاس‌ها به روش همسانی درونی محاسبه و آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیر، مستبد و قاطع با ۳۱۰ نفر آزمودنی به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۶۶ به دست آمد.

یافته‌ها

برازش آماری مدل اولیه با داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار LISREL مورد بررسی قرار گرفت و تأیید نشد. پس از تغییر برخی مسیرها، برازش مدل بدون اعمال خطای اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب مسیر الگوی تغییر یافته بر اساس مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زا، از طریق متغیرهای واسطه‌ای درون‌زا روی شادکامی در شکل ۲ آورده شده است.



Chi-Square = 43.40, df = 13, P-value = 0.00004, RMSEA = 0.092

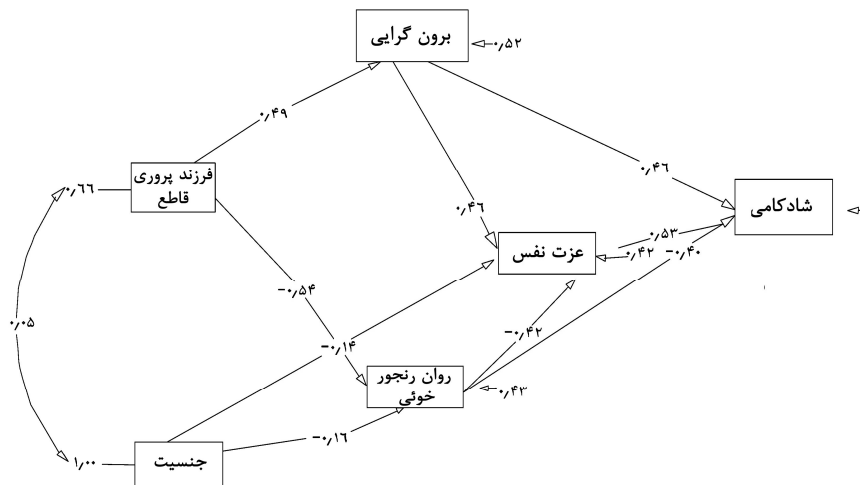
شکل ۲: ضرایب مسیر بر اساس مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زا از طریق متغیرهای واسطه‌ای درون‌زا روی شادکامی

نتایج آزمون معناداری t نشان داد که ضرایب مسیر، برای متغیرهای سبک فرزندپروری سهل‌گیر روی عزت‌نفس، سبک فرزندپروری قاطع و سبک فرزندپروری مستبد بر روی عزت‌نفس معنادار نیست، بنابراین این مسیرها در شکل حذف شدند. علاوه بر آن شاخص RMSEA بالاتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد مدل با داده‌ها برازش ندارد. شاخص‌های برازش مدل در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱: نتیجه شاخص‌های آزمون برازندگی مدل بدون اعمال خطای اندازه‌گیری

نتیجه	مقدار	دامنه مورد قبول	شاخص
رد	۴۳/۴۰	$P > 0.05$	شاخص مجذور خی (χ ²)
-	۱۳	-	درجه آزادی (df)
رد	۰/۰۹۲	$RMSEA < 0.05$	خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA)
تأیید	۰/۹۶۳	$GFI > 0.9$	شاخص نیکویی برازش (GFI)
تأیید	۰/۹۳	$NFI > 0.9$	شاخص برازش نرمال شده (NFI)
تأیید	۰/۹۵	$CFI > 0.9$	شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)
تأیید	۰/۹۵	$IFI > 0.9$	شاخص برازش اعتباری (IFI)

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود مدل تغییریافته بدون اعمال خطای اندازه‌گیری در برخی شاخص‌ها، برازش لازم را ندارد و تنها در برخی شاخص‌ها دارای برازش لازم است. با توجه به شاخص‌های برازش و عدم برازش مطلوب، مدل تغییریافته با اعمال خطای اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت که ضرایب مسیر آن بر اساس مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زا از طریق متغیرهای واسطه‌ای درون‌زا روی شادکامی در شکل ۳ آورده شده است.



Chi-Square = 17.77, df = 13, P-value = 0.16634, RMSEA = 0.036

شکل ۳: ضرایب مسیر بر اساس مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زا از طریق متغیرهای واسطه‌ای درون‌زا روی شادکامی

شاخص‌های برازش مدل تعدیل‌شده با در نظر گرفتن خطای اندازه‌گیری در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: نتیجه شاخص‌های آزمون برازندگی مدل نهایی با اعمال خطای اندازه‌گیری

نتیجه	مقدار	دامنه مورد قبول	شاخص
تأیید	۱۷/۷۷	$P > 0.05$	شاخص مجذور خی (χ ²)
-	۱۳	-	درجه آزادی (df)
تأیید	۰/۰۳۶	$RMSEA < 0.05$	خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA)
تأیید	۰/۹۸۴	$GFI > 0.9$	شاخص نیکویی برازش (GFI)
تأیید	۰/۹۷۲	$NFI > 0.9$	شاخص برازش نرمال شده (NFI)
تأیید	۰/۹۹۳	$CFI > 0.9$	شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)
تأیید	۰/۹۹۳	$IFI > 0.9$	شاخص برازش اعتباری (IFI)

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند که مدل تغییریافته با اعمال خطای اندازه‌گیری برازش بیشتری با داده‌ها دارد. قابل ذکر است با توجه به این که آزمون معناداری t مربوط به متغیر جنسیت معنادار به دست آمد، این متغیر با وجود این که ضریب مسیر کوچکی داشت، در مدل حذف نشد. بررسی شاخص‌های برازش مدل نهایی حاکی از آن است که مدل نهایی با اعمال خطای اندازه‌گیری، برازش نسبتاً مطلوبی با داده‌ها دارد. ضرایب مستقیم متغیرها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: مقادیر اثرات مستقیم متغیرها در مدل نهایی

مقدار t	مقدار برآورد	اثر مستقیم متغیرها
۷/۰۱*	۰/۴۶	برون‌گرایی بر شادکامی
۷/۹۱*	۰/۵۳	عزت‌نفس بر شادکامی
-۶/۴۵*	-۰/۴۰	روان‌رنجورخویی بر شادکامی
-۴/۷۱*	-۰/۴۲	روان‌رنجورخویی بر عزت‌نفس
-۳/۰۱*	-۰/۱۶	جنسیت بر روان‌رنجورخویی
-۲/۵۱*	-۰/۱۴	جنسیت بر عزت‌نفس
۵/۴۸*	۰/۴۶	برون‌گرایی بر عزت‌نفس
۵/۸۱*	۰/۴۹	سبک قاطع بر برون‌گرایی
-۶/۴۹*	-۰/۵۴	سبک قاطع بر روان‌رنجورخویی

* $P < ۰/۰۵$

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که اثر مستقیم برون‌گرایی، عزت‌نفس، روان‌رنجورخویی بر شادکامی، روان‌رنجورخویی بر عزت‌نفس، جنسیت بر روان‌رنجورخویی، جنسیت بر عزت‌نفس، برون‌گرایی بر عزت‌نفس، سبک فرزندپروری قاطع بر برون‌گرایی، سبک فرزندپروری قاطع بر روان‌رنجورخویی با سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ به لحاظ آماری معنادار است. ضرایب غیرمستقیم متغیرها در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: مقادیر اثرات غیرمستقیم متغیرها در مدل نهایی

مقدار t	مقدار برآورد	اثر غیرمستقیم متغیرها
۸/۷۳*	۰/۶۸*	سبک قاطع بر شادکامی
۰/۶۹*	۰/۰۲*	جنسیت بر شادکامی
۴/۸۹*	۰/۲۴*	برون‌گرایی بر شادکامی
-۴/۳۱*	-۰/۲۲*	روان‌رنجوری بر شادکامی

* $P < ۰/۰۵$

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که اثرات غیرمستقیم سبک فرزندپروری قاطع، جنسیت، برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی بر شادکامی در سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ به لحاظ آماری معنادار است. ضرایب کلی متغیرها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: مقادیر اثرات کلی و ضرایب مسیر در مدل نهایی

مقدار t	مقدار برآورد	اثر غیرمستقیم متغیرها
۸/۷۳*	۰/۶۸	سبک قاطع بر شادکامی
۰/۶۹*	۰/۰۲	جنسیت بر شادکامی
۱۰/۰۶*	۰/۷۰	برون‌گرایی بر شادکامی
۷/۹۱*	۰/۵۳	روان‌رنجوری بر شادکامی

* $P < 0.05$

نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که اثرات کلی سبک فرزندپروری قاطع، جنسیت، برون‌گرایی، عزت‌نفس و روان‌رنجوری بر شادکامی در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار است.

بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مدل اولیه ارائه شده برازش لازم را نداشت و کنار گذاشته شد و مدل تعدیل‌شده بدون اعمال خطای اندازه‌گیری نیز در برخی شاخص‌ها برازش لازم را نداشت و تنها در شاخص‌های GFI، NFI، CFI و IFI تأیید شده بود. در نتیجه مدل تعدیل‌شده پژوهش، با اعمال خطای اندازه‌گیری مورد آزمون قرار گرفت و آشکار شد که مدل تعدیل‌شده با اعمال خطای اندازه‌گیری، شاخص‌های برازش بهتری دارد. با توجه به این‌که پژوهش‌هایی که دقیقاً هم‌چون پژوهش حاضر، این متغیرها را به طور جامع در یک مدل ارائه کند انجام نشده، لذا امکان مقایسه دقیق این مدل با سایر پژوهش‌های انجام شده، نیست. نتیجه این تحقیق در مورد برازش مدل با نتایج پژوهش‌های فورنهام و چنگ (۲۰۰۰)، چنگ و فورنهام (۲۰۰۳) هم‌خوانی دارد.

بررسی مقادیر استاندارد شده متغیرهای ملاک برون‌زا با اثر مستقیم و غیرمستقیم و اثر کلی بر اساس مسیرهای مدل، نشان می‌دهد که متغیرهای برون‌گرایی، سبک فرزندپروری قاطع، روان‌رنجوری (به صورت منفی) و عزت‌نفس به ترتیب بیشترین سهم تبیین‌کنندگی شادکامی را دارند. در این تحقیق مشخص شد که عامل برون‌گرایی نقش مهم و مؤثری در پیش‌بینی شادکامی دارد که با پژوهش‌های انجام شده پیشین هم‌چون لیوبامرسکی و همکاران (۲۰۰۶)، هیلز و آرگیل (۲۰۰۱)، چنگ و فورنهام (۲۰۰۳) و فورنهام و چنگ (۲۰۰۰) هم‌خوانی دارد. در پژوهش گروسی فرشی و همکاران (۱۳۸۵) نیز برون‌گرایی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده شادکامی بود. کاستا و همکاران (۱۹۸۱) در پژوهشی طولی به این نتیجه رسیدند که برون‌گرایی می‌تواند وجود عاطفه مثبت و شادی ۱۷ سال بعد فرد را پیش‌بینی کند. این مطالعه نشان می‌دهد که برون‌گرایی، بهترین پیش‌بینی‌کننده شادکامی است. شخصیت، نیرومندترین و پایدارترین پیش‌بینی‌کننده بهزیستی ذهنی است (داینر و همکاران، ۱۹۹۹). دنیو و کوپر (۱۹۹۸) با بررسی برخی از پژوهش‌ها (رابطه میان ویژگی‌های شخصیت و ابعاد شناختی و عاطفه بهزیستی ذهنی) دریافتند که از میان ویژگی‌های شخصیت،

برون‌گرایی در پیش‌بینی عاطفه مثبت، مهم به نظر می‌رسد و احتمال تجربه عواطف مثبت در موقعیت‌های اجتماعی و پیشرفت را افزایش داده، از این راه با بهزیستی ذهنی رابطه دارد. کاستا و مک‌کری (۱۹۹۱) نشان دادند که برون‌گرایی با تجربه عاطفه مثبت، و روان رنجورخویی با تجربه عاطفه منفی رابطه دارند (به نقل از گوتیرز و همکاران، ۲۰۰۵). نتایج حاصل از این پژوهش هم‌سو با یافته‌های قبلی انجام شده، نظریه‌های از بالا به پایین (عوامل درونی و صفات) را مورد تأیید قرار می‌دهد. در این نظریه‌ها بر نقش صفات و عوامل درونی بر شادکامی تأکید شده است. نتایج بررسی‌های لی بگلی و همکاران (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که افراد برون‌گرا بیشتر به استفاده از اشکال سازگارانه مقابله مانند جستجوی حمایت اجتماعی، تفکر مثبت یا تفسیر دوباره، جانشین‌سازی و کنترل، تمایل نشان می‌دهند که این خود جنبه مثبتی است و در شادکامی نقش دارد.

یافته پژوهش حاضر نشان داد که برون‌گرایی، رابطه سبک فرزندپروری قاطع را با شادکامی تقویت می‌کند. بر پایه پژوهش‌های انجام شده، سبک فرزندپروری قاطع با پیامدهای تحولی مثبت هم‌چون روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (استینبرگ و همکاران، ۱۹۹۴). در مطالعه‌ای مشخص شد نوجوانانی که والدین خود را به عنوان مقتدر طبقه‌بندی کرده بودند، بالاترین نمره را در مقیاس کفایت اجتماعی و کمترین نمره را در مقیاس اختلال روان‌شناختی و رفتاری کسب کردند (لمبورن و همکاران، ۱۹۹۹؛ به نقل از اسفندیاری، ۱۳۷۴). فرزندان والدین مقتدر می‌آموزند که تعارض وقتی به بهترین وجه رفع می‌شود که نظرهای طرف مقابل در یک مذاکره دوستانه به حساب آورده شود. این مجموعه مهارت‌ها باعث حل مشکل به صورت مشترک و مؤثر شده و روابط خوبی با همسالان را سبب شده و در نهایت به تشکیل یک شبکه خوب حمایت اجتماعی منجر می‌شود (کار، ترجمه پاشا شریفی و همکاران، ۱۳۸۵) و این خود منجر به هیجان مثبت و افزایش شادکامی می‌شود. یافته‌های بامریند نشان داد که فرزندان والدین مقتدر، بسیار خوب پرورش می‌یابند و شاد و سرحال هستند.

هم‌چنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عزت‌نفس به طور مستقیم با شادکامی رابطه دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های قبلی ملکجه (۲۰۰۴)، جوشن لو و رستگار (۱۳۸۶)، بنتال (۱۹۹۲) هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که عزت‌نفس عقیده‌ای است که فرد درباره مجموعه توانایی‌ها، ویژگی‌ها و شایستگی‌های خود دارد. هم‌چنین، عزت‌نفس درجه تصویب، تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خود احساس می‌کند. بنابراین، کسی که عزت‌نفس بالا دارد در برخورد با دیگران از قدرت ابراز وجود بیشتری برخوردار است. چنین شخصی هرگز اجازه نمی‌دهد که احساس اضطراب یا نبود احساس امنیت، خاطر او را مکدر کند. بنابراین، شخص با دید مثبت از خویش در موقعیت‌های مختلف زندگی و به خصوص در تقابل با دیگران با قاطعیت و به طور مؤثر عمل خواهد کرد. افراد با عزت‌نفس بالا، فشار روانی، تغییرات و دگرگونی‌های زندگی را فرصتی برای پیشرفت شخصی تلقی می‌کنند نه به عنوان تهدید برای شکست؛ آن‌ها به ارزش و اهمیت خود باور

دارند و کمتر با رویدادهای منفی زندگی‌شان مبارزه می‌کنند و در صورت عدم توانایی در حل مسئله، قدرت سازگاری بالایی دارند. هرچه ارزیابی فرد از خود مثبت‌تر باشد، میزان رضایت‌مندی افراد از زندگی بالاتر رفته و عواطف مثبت بیشتری در آن‌ها ایجاد می‌شود. افراد دارای عزت‌نفس بالا در برخورد با وقایع استرس‌زا، احساس کنترل بیشتری کرده، توانایی خود را مثبت ارزیابی و بهتر می‌توانند در چنین موقعیت‌هایی راهبردهای مسئله‌مدار را انتخاب کنند. این افراد کمتر وابسته به موقعیت هستند، خودنگاره مثبتی دارند و در موقعیت‌های پرفشار، مؤثرتر عمل می‌کنند. عزت‌نفس، انعطاف‌پذیری در مقابل تغییرات را افزایش می‌دهد و نگرش‌های مثبت در جهت پیشرفت احساس خودکفایتی را تقویت می‌کند (ویچروسکی، ۲۰۰۰؛ به نقل از حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که برون‌گرایی به طور غیرمستقیم با شادکامی رابطه دارد و به عبارتی عزت‌نفس به عنوان متغیر میانجی، رابطه برون‌گرایی و شادکامی را تقویت می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش چنگ و فورنهام (۲۰۰۳)، چان و کو (۲۰۰۹)، مرادی و همکاران (۱۳۸۴) و میرشاه جعفری و همکاران (۱۳۸۱) هم‌خوانی دارد. در این مورد باید اشاره کرد که نوع سبک‌های مقابله‌ای که افراد برون‌گرا در مواجهه با استرس به کار می‌برند، به‌گونه‌ای است که هیجانات مثبت آن‌ها را افزایش و عواطف منفی را کاهش می‌دهد. دلنگیس و هوتزمن (۲۰۰۵) خاطر نشان می‌سازند که الگوی صفات شخصیتی در درک رفتارهای مقابله‌ای افراد از کارآمدی بسیار بالایی برخوردار است. پارکز (۱۹۸۶)، به نقل از کاردام و کراپیک، (۲۰۰۱) نیز بیان داشته‌اند که برون‌گرایی بیانگر تمایل فرد برای مثبت بودن، جرأت‌طلبی، پرنرژی بودن و صمیمی بودن است و بر سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار اثر مثبت دارد. بدین ترتیب فردی که از سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار استفاده می‌کند، هیجان مثبت را تجربه می‌کند و به دنبال آن عزت‌نفس وی نیز نه تنها دچار افت نمی‌شود بلکه به دلیل موفقیتش دارای عزت‌نفس بالایی می‌شود و عزت‌نفس بالا نیز ارزیابی شناختی فرد را مثبت و شادکامی و بهزیستی را افزایش می‌دهد. هیجان مثبت با ویژگی‌های شخصیت ارتباط دارد. گروهی به دلیل برخی ویژگی‌های شخصیتی مانند برون‌گرایی بر رویدادهای مثبت زندگی، بیشتر تأکید می‌کنند و در نتیجه دارای عزت‌نفس بالا و بیشتر از سایرین شادکامند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که جنسیت با روان‌رنجورخویی رابطه مستقیم منفی دارد به گونه‌ای که زنان دارای روان‌رنجورخویی بیشتری هستند. روان‌رنجورخویی نیز با شادکامی رابطه‌ی منفی دارد. این یافته با نتایج نوری و همکاران (۱۳۸۵)، لو و شی (۱۹۹۷)، اسپانگلر و پالریچا (۲۰۰۴) و استیورت و همکاران (۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد. افراد دارای ویژگی روان‌رنجورخویی تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، دست‌پاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت دارند و این عواطف شکننده مانع از سازگاری و احساس خشنودی می‌شود. افراد دارای این ویژگی دارای ثبات عاطفی نیستند و در مواقع استرس دچار اضطراب و عزت‌نفس پایین و در نتیجه ناخشنود می‌شوند. با در نظر

گرفتن این نکته که اضطراب و افسردگی از صفات روان رنجورخویی است، به نظر قابل توجیه و پذیرش می‌رسد که شادکامی با ویژگی روان رنجورخویی رابطه منفی داشته باشد. داینر و همکاران (۱۹۹۹) و فوجیتا و همکاران (۱۹۹۱) معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است اما هنگامی که افسردگی را در نظر بگیریم موضوع تا حدودی دشوار می‌شود. به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. داینر و همکاران این امر را این‌گونه توضیح می‌دهند که زنان نسبت به مردان هم عاطفه منفی و هم عاطفه مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌کند. در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که در پژوهش حاضر، نقش متغیرهای برون‌گرایی، سبک فرزندپروری قاطع، روان رنجورخویی (به صورت منفی) و عزت‌نفس به عنوان عوامل مؤثر در شادکامی تأیید شد. این نتایج دارای تلویحات کاربردی برای متخصصان و روان‌شناسان است.

پی‌نوشت‌ها

1. stable extraversion
2. Gray
3. Behavioral Activation System
4. Behavioral Inhibition System
5. Reliability
6. Validity
7. Life Orientation Test
8. Life Attention Index
9. Life Satisfaction Scale
10. human strengths
11. Eysenck Personality Questionnaire Revised Short- Scale
12. NEO Five Factor Inventory
13. Parental Authority Questionnaire

منابع

- اسفندیاری، غ. ر. (۱۳۷۴). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روان‌پزشکی تهران.
- بخشی پوررودسری، ع.، و باقریان خسروشاهی، ص. (۱۳۸۵). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه تجدیدنظر شده شخصیت آیزنک - فرم کوتاه (EPQ-RS). روان‌شناسی معاصر، ۲۱(۲)، ۱۲-۳.
- جوشن‌لو، م.، و رستگار، پ. (۱۳۸۶). پنج رگه اصلی شخصیت و حرمت خود به عنوان پیش‌بین‌های بهزیستی فضیلت-گرا. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۴(۱۳)، ۱۳-۲۴.
- حقیقی، ج.، خوش‌کنش، ا.، شکرکن، ح.، شهنی ییلاق، م.، و نیسی، ع. (۱۳۸۵). رابطه الگوی پنج‌عاملی شخصیت با احساس شادکامی در دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید چمران. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۳(۳)، ۱۶۳-۱۸۸.

- زاده‌محمدی، ع.، عابدی، ع.، ر.، و خانجانی، م. (۱۳۸۶). بهبود حرمت خود و خودکارآمدی در نوجوانان. *فصلنامه روان-شناسان ایرانی*، ۴(۱۵)، ۲۴۵-۲۵۲.
- علی‌پور، ا.، و نوربالا، ا. ع. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *مجله اندیشه و رفتار*، ۵(۱ و ۲)، ۵۵-۶۵.
- کار، ا. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی مثبت* (ترجمه ح. پاشا شریفی و ج. نجفی‌زند). تهران: انتشارات سخن (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۴).
- گروسی فرشی، م. ت.، مانی، آ.، و بخشی‌پور، ع. (۱۳۸۵). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی با احساس شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز. *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۱(۱)، ۱۵۷-۱۴۳.
- محمدی، ن. (۱۳۸۴). بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس حرمت خود روزنبرگ. *مجله روان‌شناسان ایرانی*، ۳۲، ۳۲۰-۳۱۳.
- مرادی، م.، جعفری، س. ا.، و عابدی، م. ر. (۱۳۸۴). شادمانی و شخصیت: بررسی مروری. *تازه‌های علوم‌شناختی*، ۷(۲)، ۶۰-۷۱.
- مظلومی محمودآباد، س.، مهری، ع.، و مروتی شریف‌آباد، م. ع. (۱۳۸۵). ارتباط بین اعتماد به نفس و خودکارآمدی با رفتارهای بهداشتی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی*، ۳(۲)، ۱۱۷-۱۱۱.
- میرشاه جعفری، ا.، عابدی، م. ر.، و دریکوندی، ه. (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل مؤثر بر آن. *تازه‌های علوم‌شناختی*، ۴(۳)، ۵۸-۵۱.
- نوری، ط.، عابدی، م. ر.، و علیپور، ا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه شادمانی با ویژگی‌های شخصیتی کارکنان دادگستری اصفهان. گزارش طرح پژوهشی، دادگستری استان اصفهان.

- Akse, J., Hale, B., Engels, R., Raaijmakers, Q., & Meeus, W. (2007). Co-occurrence of depression and delinquency in personality types. *European Journal of Personality*, 21(2), 235-256.
- Argyle, M. (2001). *The psychology of happiness* (2nd ed.). London: Routledge
- Argyle, M., & Lu, L. (1990). The happiness of extroverts. *Personality and Individual Differences*, 11, 1011-1017.
- Bental, R. P. (1992). Words: A proposal to classify happiness as a psychiatric disorder. *Journal of Medical Ethics*, 18, 94-98
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth & Adolescence*, 33, 213-220
- Brebner, J., Donaldson, J., Kirby, N., & Ward, L. (1995). Relationships between happiness and personality. *Personality and Individual Differences*, 19, 251-258.
- Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119
- Buri, J., Louiselle, P., Misukanis, T., & Mueller, R. (1988). Effects of parental authoritarianism and authoritative of self-esteem. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 14, 271-282.
- Cha, K. H. (2003). Subjective well-being among college students. *Social Indicators Research*, 62-63, 455-477.
- Chan, R., & Joseph, S. (2000). Dimensions of personality, domain of aspiration, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 28, 347-354.

- Chan, T., & Koo, A. (2009). *Parenting style and youth outcomes in the UK*. Paper presented at the conference of the British Sociological Association, University of Oxford, Oxford.
- Cheng, H., & Furnham, F. (2003). Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression. *Personality and Individual Differences*, 34, 921-942
- Costa, P. T., McCrae, R. R., & Norris, A. H. (1981). Personal adjustment to aging: Longitudinal prediction from neuroticism and extraversion. *Journal of Gerontology*, 36(1), 78-85
- De Pascalis, V., Strippoli, E., Riccardi, P. & Vergari, F. (2004). Personality, event related potential (ERP) and heart rate (HR) in emotional word processing. *Personality and Individual Differences*, 36, 873-891
- Delongis, A., & Holtzman, S. (2005). Coping in context: The role of stress, social support, and personality in coping. *Journal of Personality*, 73(6), 1-24.
- Deneve, K. M., & Cooper, H. (1998). The happy personality: A meta – analysis of 137 personality traits and subjective well-being. *Psychology Bulletin*, 124 (2), 197-229.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well-being three decades of well-being. *Psychological Bulletin*, 125, 276-302.
- Francis, L. J. (1999). Happiness is a thing called stable extraversion: A further examination of the relationship between the Oxford Happiness Inventory and Eysenk's dimensional model of personality and gender. *Personality and Individual Differences*, 26, 5-11.
- Francis, L. J., Brown, L. B., Lester, D., & Philipchalk, R. (1998). Happiness as stable extraversion: A cross-cultural examination of the reliability and validity of the Oxford Happiness Inventory among students in the UK, USA, Australia and Canada. *Personality and Individual Differences*, 24, 164-171.
- Francis, L. J., Katz, Y. J., Yalbon, Y., & Robbins, M. (2004). Religiosity, personality, and happiness: A study among Israeli male undergraduates. *Journal of Happiness Studies*, 5, 315-333.
- Fujita, F., Diener, E., & Sandvic, E. (1991). Gender differences in negative affect and well – being: The case for emotional intensity. *Journal of Personality & Social Psychology*, 61(3), 427-434.
- Furnham, A., & Cheng, H. (2000). Perceived parental behavior, self-esteem, and happiness. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 35, 463-470.
- Furnham, A., Brewin, C, J. (1990). Personality and happiness. *Personality and Individual Differences*. 11, 1093- 1096
- Gomez, R., Cooper, A., & Gomez, A. (2000). Susceptibility to positive and negative mood states: Test of Eysenck' s, Gray's and Newman's theories. *Personality and individual Differences*, 29,351- 365.
- Goodwin, R. D., & Gotlib, I. H. (2004). Gender differences in depression: The role of personality factors. *Psychiatry Research*, 126, 135-142.
- Gutierrez, J. G., Jimenez, B. M., Hernandez, E. G., & Puente, C. P. (2005). Personality and subjective well-being: Big five correlates and demographic variables. *Personality and Individual Differences*, 38, 1561-1569.

- Harris, A. H., & Standard, S. (2001). Psychometric properties of the Life Regard Index-Revised: A validation study of a personal measure of personal meaning. *Psychological Report, 89*, 759-773.
- Hayes, N., & Joseph, S. (2003). Big 5 correlate of three measures of subjective well-being. *Personality & Individual Differences, 34*, 723-727.
- Herz, L., & Gullone, E. (1999). The relationship between self-esteem and parenting style: A cross-cultural comparison of Australian and Vietnamese Australian adolescents. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 30(6)*, 742-761
- Hilles, P., & Argyle, M. (2001). Emotional stability as a major dimension of happiness. *Personality and Individual Differences, 31*, 1357-1364.
- Hilles, P., & Argyle, M. (2002). The Oxford Happiness Questionnaire: A compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences, 33*, 1073-1082.
- Huver, R. M. E., Otten, R., Vries, H., & Engels, R. (2009). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescence, 33(3)*: 395-402
- Ivkovic, V., Vitart, V., Rudan, I., Janicijevic, B., Smolej-Narancic, N., Skaric-Juric, T., Barbalic, M., Polasek, O., Kolcic, I., Biloglav, Z., Visscher, P. M., Hayward, C., Hastie, N. D., Anderson, N., Campbell, H., Wright, A. F., Rudan, P., & Deary, I. J. (2007). The Eysenck personality factors: psychometric structure, reliability, heritability and phenotypic and genetic correlations with psychological distress in an isolated Croatian population. *Personality and Individual Differences, 42*, 123-133.
- Jin, B. (2001). *Social psychological determinants of life satisfaction in older adults*. Unpublished doctoral dissertation. Social Psychology. Indiana University, Indiana.
- Karanci, N., Dirik, G., & Yorulmaz, O. (2007). Reliability and validity studies of Turkish translation of Eysenck Personality Questionnaire Revised-Abbreviated. *Turkish Journal of psychiatry, 18(3)*, 254-261
- Kardum, I., & Krapic, N. (2001). Personality trait, stressful life event, and coping styles in early adolescence. *Personality and Individual Differences, 30*, 503-515.
- Klein, H. K. (2005). *Investigation of variables influencing college students' marital attitudes and fear of intimacy*. Unpublished doctoral dissertation, Ball state university, Muncie.
- Larsen, R. J., & Ketelaar, T. (1991). Personality and susceptibility to positive and negative emotional states. *Journal of Personality and Social Psychology, 61(1)*, 132-140.
- Lee-Bagglely, D., Preece, M., & Delgonis, A. (2005). Coping with interpersonal stress: Role of big five traits. *Journal of Personality, 73*, 1141-1146
- Lopez, M. (2005). *Parenting styles and self esteem: Clarifying the role of ethnicity*. Poster presented at the 85th Annual Western Psychological Association Convention, Portland, OR.
- Lu, L., & Shih, J. B. (1997). Personality and happiness: Is mental health a mediator? *Personality and Individual Differences, 22(2)*, 249-256
- Lyubomirsky, S., Tkach, C., & Robin, M. (2006). Differences between happiness and self esteem. *Social Indicators Research, 78*, 363-404
- Malekjah, R. (2004). *A Study of the Relationship of Happiness and Self-esteem Among College Students*. Unpublished M.S thesis. Counseling, California State University, Long Beach.

- Magnus, K., Diener, E., Fujita, F., & Pavot, W. (1993) Extraversion and neuroticism as predictors of objective life events: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 65 (5), 1046-1053
- Robinson, M. D., Ode, S., Moller, S. K., & Gotez, P. W. (2007). Neuroticism and affective priming: Evidence for a neuroticism-linked negative schema. *Personality and Individual Differences*, 42, 1221-1231.
- Rusting, C. L. & Larsen, R. (1997). Extraversion, neuroticism, and susceptibility to positive and negative affect: a test of two theoretical models. *Personality and individual differences*. 22(5). 607- 612.
- Rusting, C. L. (1999). Interactive effects of personality and mood on emotion- congruent memory and judgment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(5), 1073-1086.
- Shogren, K. A., Lopez., S. J., Wehmeyed, M, L., Little., T. D., & Pressgrove, C. L. (2006). The role of positive psychology constructs in predicting life satisfaction in adolescents with and without cognitive disabilities: Exploratory study. *The Journal of Positive Psychology*, 1(1), 37-59
- Spangler, W. D., & Palrecha, R. (2004). The relative contributions of extraversion, neuroticism, and personal strivings to happiness. *Personality and Individual Differences*, 37, 1193–1203.
- Steinberg, L., Lamborn, S. D., Darling, N., Mounts, N. S., & Dornbusch, S. M. (1994). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 6, 754-770.
- Stewart, M. E., Ebmeier, K. P., & Deary, I. G. (2005). Personality correlates of happiness and sadness: EPQ-R and TPQ compared. *Personality and Individual Differences*, 38, 1085–1096.